

عنوان مقاله:

فلسفه حقوق بشر مبانی انسان شناختی با نگاهی به جهان نگرش اسلامی

محل انتشار:

سومین کنفرانس بین المللی صلح پژوهی (سال: 1400)

تعداد صفحات اصل مقاله: 18

نویسنده:

حمید امیدی - دانشجوی دکترای حقوق عمومی دانشگاه تهران

خلاصه مقاله:

انسان شناسی را باید به مثابه فرانظریه برای حقوق بشر تلقی کرد فرانظریه ها به بخشی به بخش هستی شناسی، معرفت شناسی و روش شناسی تقسیم می شوند. انسان شناسی اما مبنا و بنیاد هر نظریه ای در علوم انسانی است، چنانکه حقوق بشر بدون مبادی انسان شناختی امکان بروز و ظهور معرفتی ندارد. به عبارت دیگر بین انسان شناسی حقوق بشر پیوندی ناگسستنی وجود دارد، چه مبنای حقوق بشر را حقوق طبیعی بدانیم یا تلقی پوزیتیویستی از آن داشته باشیم و یا در سایه مکتب تاریخی بدان بنگریم. انسان در جهان نگرش اسلامی جانشین خدا و به مثابه خلیفه الله است که همین جانشینی به او کرامت ذاتی بخشیده است و به واسطه کرامت ذاتی هر انسان تنها از حیث انسان بودن برخوردار از حقوقی است که آنرا حقوق بشر مینامیم و چنانچه به دلیل اصل آزادی و عاملیت در جامعه و سیر تاریخی جوامع او را برخوردار از آزادی های عمومی بنیادین نموده است. انسان اسلامی در سطح تکوینی و وجودی بشر نام دارد که بر آنها تفاوت و درجاتی حاکم نیست، هر انسان به مثابه بشر حق دارد واجد حقوقی از حیث انسان بودن باشد اما در جایگاه خود انسانی می توان انسانها را متفاوت از هم دانست. انسان اسلامی به واسطه برخورداری از فطرت با حقوق فطریه ارتباط مییابد حقوقی که همان حقوق طبیعی در زبان معاصر حقوق بشر است. این مقاله در پس پاسخ به این پرسش است که آیا حقوق بشر برخاسته از انسان به طور عام و انسان شناسی در جهان نگرش اسلامی وجود دارد. پاسخ سوال در قالب فرضیه هایی پاسخ مثبت به این سوال است. یعنی انسان شناسی به مفهوم عام و انسان شناسی در جهان نگرش اسلامی میتواند مبنای شکل گیری حقوق بشر و آزادی های عمومی باشد.

کلمات کلیدی:

انسان، انسان شناسی، حقوق بشر، کرامت ذاتی، آزادی های عمومی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1594364>

